

بررسی مایگان و شگردهای زبانی و بلاغی کتاب حرف اضافه، اثر رضا رفیع

An Overview of the Theme and Linguistic and Rhetorical Perspectives of Reza Rafi's *Harfe Ezafe*

Batool Mahdavi⁻
Mahshid Rouhi⁻

بتول مهدوی⁻

مهشید روحی⁻

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

Abstract

Humor is one of the most important literary genres, which has been the subject of criticism of social issues throughout the history of literature in the land, especially after the constitutional movement. In addition to analyzing themes and targeting humor, the study of satirical works can also explore humorous techniques, which are effective in understanding and understanding audiences and in furthering their study of satirical works. Reza Rafi is one of the contemporary satirists of our country, who has satire on poetry and prose. He uses a variety of humorous techniques to convey his critical views of the country's economic, social and cultural disruptions, which both make the audience laugh and punish officials. Although Rafi has a passion for social justice and freedom of expression in the role of a committed comedian, his humor is sweet and unmistakable. The present paper, organized in a descriptive-analytical manner, examines the themes and objectives of the *Harfe ezafe* book, the triple linguistic, rhetorical, and situational techniques of humor. The result of the present study, however, is that the benefit of most of the humorous techniques, especially the use of slang and colloquial language, in linguistics and transcendence, and the rhetoric of transcendence and the creation of humorous situations have been profited by the description. The authors of the subcategories of humor, such as: irony, theatrical writing, and punctuation, have not been ignorant of the "HARFE EZAFE" and have examined appropriate examples of these categories.

Keywords: Humor, *Harfe ezafe*, Rafi, Linguistic and Rhetorical Perspectives, Themes.

چکیده

طنز یکی از ژانرهای ادبی مهم محسوب می‌شود که در طول تاریخ ادبیات این سرزمین، به‌ویژه پس از نهضت مشروطه، وظیفه انتقاد از مسائل اجتماعی را بر عهده داشته‌است. در بررسی آثار طنزآمیز، علاوه بر تحلیل درون‌مایه‌ها و آماج طنز، می‌توان به بررسی تکنیک‌های طنزپردازی نیز پرداخت، که شناخت این شگردها در فهم و درک مخاطب و نیز التذاذ بیشتر آن‌ها در مطالعه آثار طنزآمیز مؤثر است. رضا رفیع از طنزپردازان معاصر کشورمان است، که طنزهایی به شعر و نثر دارد. او با نگاهی دقیق و با زبانی شیرین، ضمن بهره‌گیری از انواع تکنیک‌های طنزپردازی، به طرح دیدگاه‌های انتقادی خود نسبت به نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌پردازد، که هم موجب خنده و تفکر مخاطب و هم سبب تنبّه مسئولان می‌گردد. رفیع هرچند در جایگاه یک طنزپرداز متعهد، دغدغه عدالت اجتماعی و آزادی بیان دارد، اما طنز او شیرین و غیرگزنده است. جستار پیش رو که به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته، ضمن بررسی درون‌مایه و آماج کتاب حرف اضافه، شگردهای سه‌گانه زبانی، بلاغی و موقعیتی طنز رفیع نیز مورد بررسی قرار گرفته‌است. براینده پژوهش حاضر حاکی از آن است که رفیع از غالب شگردهای طنزپردازی، به‌ویژه بهره‌گیری از ظرفیت زبان عامیانه و محاوره در حوزه زبانی، و کنایه و تعریض در سطح بلاغت و خلق موقعیت‌های طنزآمیز به‌وسیله توصیف سودجسته‌است. نگارندگان از شاخه‌های فرعی طنز، نظیر آیرونی، نظیره‌نویسی و نقیضه‌پردازی در حرف اضافه رفیع غافل نبوده و نمونه‌هایی مناسب از مقولات یادشده را مورد بررسی قرار داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: طنز، حرف اضافه، رفیع، شگرد زبانی و بلاغی، درون‌مایه.

⁻ Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author); b.mahdavi@umz.ac.ir
⁻ M.A. in Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran; mahshid.rouhi1@gmail.com

⁻ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول); b.mahdavi@umz.ac.ir
⁻ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران; mahshid.rouhi1@gmail.com

۱. مقدمه

طنز و مطایبه و نقد آن رشته‌ای نوپژوهش در ایران به‌شمار می‌آید و تعریف این اصطلاح نیز با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده‌است. طنز کلمه‌ای عربی است، به معنی سخن طعنه‌آمیز، سرزنش (انوری، ۱۳۸۱: مدخل طنز)، عیب‌جویی و استهزا کردن؛ معادل آن در لغت عرب السخریه و در زبان انگلیسی satire است. این واژه در اصطلاح ادبی، یک ژانر یا نوع فرعی و روبنایی ادبی محسوب می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۱۹)، که ضمن آن «اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی، سیاسی، یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد.» (اصلانی، ۱۳۸۵: مدخل طنز). طنز گرچه در ظاهر می‌خنداند؛ اما در پس این خنده واقعیتی تلخ و وحشتناک وجود دارد که انسان را وادار به اندیشه و تفکر می‌کند (همان).

برای طنز کارکردها و اهداف متنوعی برشمرده‌اند؛ برخی طنز را نکوهش شرارت و بلاهت، دسته‌ای ابزار اصلاح‌پلیدی، گروهی تسکین‌دهنده و پاسدار اخلاقی برمی‌شمارند (پلارد، ۱۳۸۶: ۵). طنزپرداز نیز، در جایگاه مصلحی اجتماعی، با ناراستی‌ها و نابسامانی‌ها به مبارزه برمی‌خیزد و بعضاً عواقب آن را به جان و دل می‌خرد و به قول الیوت، «طنزنویس به لحاظ نظری، اخلاق‌گرایی سخت‌گیر است، که بدی‌های زمان و مکان خود را محکوم می‌کند» (پلارد، ۱۳۸۶: ۶۶). درواقع طنزپرداز «باید بداند چه چیزی را می‌تواند به‌عنوان مهم، به خوانندگانش بقبولاند» (همان: ۸).

با نگاهی به آثار طنزآمیز، می‌توان چنین ارزیابی کرد که برخی آثار به قصد طنز و هزل نوشته شده‌اند، ولی در هر اثر جدی هم ممکن است طنز و شوخی و مطایبه دیده شود (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۳۷)؛ برای دسته اول می‌توان اوصاف الاشراف

عبید زاکانی و چرنند و چرنند دهخدا را به‌عنوان نمونه ذکر کرد و برای دسته دوم در آثار سنائی، حافظ، مولوی، سعدی و ... طنز، به‌منزله یک صنعت ادبی در یک اثر جدی، با کارکرد ایجاد شگفتی و لذت‌بخشی و زیبایی به‌کار رفته، بدون آن که موضوع و درون‌مایه آثار آنان طنز باشد. طنز رضا رفیع نیز جزو دسته نخست به‌شمار می‌آید و نگارندگان در این جستار به بررسی درونمایه، آماج و شگردهای وی در کتاب حرف اضافه می‌پردازند.

۱-۱. پیشینه و نوآوری پژوهش

درباره طنز و طنزپردازان ایرانی کتاب‌ها و مقالات متعددی به نگارش درآمده‌است، ولی تاکنون طنز رضا رفیع، چه از نظر محتوایی و چه از حیث شگردهای طنزپردازی، در هیچ مقاله یا کتابی مورد بررسی قرار نگرفته و این اثر نخستین گام در این راستا به‌شمار می‌آید؛ با این توضیح که غالب پژوهشگران تاکنون بدون تفکیک ساحت‌های زبانی، بلاغی و موقعیتی از هم، شگردها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲. ماهیت طنز

طنز تفکر برانگیز است و ماهیتی پیچیده و چندلایه دارد. گرچه طبیعتش بر خنده استوار است، اما خنده را تنها وسیله‌ای می‌انگارد برای دستیابی به هدفی برتر و آگاه کردن انسان به عمق رذالت‌ها و مفسد اجتماعی، سیاسی و اخلاقی، فرهنگی و ...؛ گرچه در ظاهر می‌خنداند، اما در پس این خنده واقعیتی تلخ و وحشتناک وجود دارد که در عمق وجود، خنده را می‌خشکاند و انسان را به تفکر وامی‌دارد؛ به همین خاطر درباره طنز گفته‌اند: «طنز یعنی گریه کردن فاه‌فاه، طنز یعنی خنده کردن آه‌آه» (اصلانی، ۱۳۸۵: مدخل طنز). درنتیجه طنز را می‌توان مانند یک تیغ جراحی فرض نمود، زیرا کار تیغ جراحی برش جایی به منظور بهبود آن

خارجی کشور می‌شود. ۳) طنز دینی و مذهبی؛ امور مرتبط با دین و مذهب چون روزه، نماز، حج، توبه و ... همواره وسیله هدایت در شریعت و با نوعی تقدس همراه است. چنانچه فرائض دینی و قدسی ابزار ترقی و کسب امتیازات دنیوی مزوران و ریاضت‌گهان شود، مورد طعن و ریشخند طنزپردازان مخلص و صادق قرار می‌گیرد و به تعبیری «طنزنویس شادمانه به بزرگنمایی مغایرت حرف و عمل می‌پردازد و تزویر و ریا همیشه موضوع‌های دم دست اوست، خاصه وقتی ریاکاران به واسطه حرفه خود، متعهد به معیارهای رفتاری کاملاً متفاوتی باشند» (پلارد، ۱۳۸۶: ۱۹). ۴) طنز عارفانه؛ در این نوع طنز، اعمال و آداب صوفی‌نمایان و شطح و طامات و یاوه‌گویی آنان و همچنین خانقاه‌نشینی غیرمخلصانه و خرقة سالوس این فرقه مورد طعنه قرار می‌گیرد. ۵) طنز فلسفی؛ بیشتر اشعار خیام و برخی اشعار حافظ و عطار رنگ فلسفی دارند که بعضاً با لحنی طنزآمیز به چون و چرا و اعتراض در کار جهان و خداوند می‌پردازند.

گاه موضوع طنز تلفیقی است، با این توضیح که گاهی دو امر سیاسی یا اجتماعی و دینی در هم تنیده‌اند، نظیر برخی حکایات عبید زاکانی. و یا سیاسی-دینی است، نظیر آنچه در مضامین برخی ابیات حافظ وجود دارد.

از حیث محتوا، طنز را به صورت دیگری هم دسته‌بندی می‌کنند: ۱) طنز تلخ یا سیاه، ۲) طنز سفید یا شیرین. در طنز سیاه خنده‌انگیزی و خنده‌ناکی کمتر از نیش آن حس می‌شود و به عبارتی «طنز سیاه گریه را بر خنده ترجیح می‌دهد» (پلارد، ۱۳۸۶: ۹۱)؛ ولی در طنز شیرین، بذله‌گویی و شوخ‌طبعی بر تفکر و تعمق طنز برتری دارد. اصولاً طنز شیرین روحیه مدارا و حل شدن در فضای حاکم و محافظه‌کاری و احتیاط کامل طنزپرداز را نشان می‌دهد. در شعر خیام و حافظ و عطار و

است. به همین دلیل است که طنز را نافذترین گونه شوخ‌طبعی می‌دانند. هنری است که عدم تناسب در عرصه‌های مختلف اجتماعی را، که در ظاهر متناسب به نظر می‌رسند، نشان می‌دهد و این خود مایه خنده می‌شود. هنر طنزپردازی کشف و بیان هنرمندانه و زیبایی‌شناختی عدم تناسب در این متناسبات است. در واقع «طنز چیزی جز تصویر هنری اجتماع نقیضین نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۴۳۳)؛ چراکه طنز غالباً حاصل گردآمدن عناصر ناسازگار و مغالطه‌گری است. در مورد علت خنده‌انگیزی طنز نیز دلایلی نظیر درک ناهماهنگی، آرامش حاصل از آزادشدن انرژی عصبی پسرانده‌شده و احساس تفوق بر دیگران مطرح شده است (کریچلی، ۱۳۸۴: ۱۱ و ۱۲).

۱-۲. شیوه‌های تحلیل آثار طنزآمیز

بسته به نوع رویکرد پژوهشگران، آثار طنزآمیز نیز به شیوه‌های متنوعی مورد تحلیل قرار می‌گیرند: الف) گاهی آن بررسی‌ها ناظر به محتواست و متن محل بحث از جهت موضوع، پیام، درون‌مایه، محتوا و یا آماج‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرند. ب) زمانی بر فرم و صورت آن‌ها تمرکز می‌شود و به عبارتی از قالب، نحوه بیان و شیوه ارائه مضمون و هدف بهره می‌گیرد. ج) همچنین از تکنیک‌ها و ترفندهای زبانی و بلاغی، و یا کلامی و غیرکلامی، که طنزپرداز جهت خنده‌انگیزی اثر خود از آن‌ها بهره گرفته، بحث می‌شود.

۱-۱-۲. از نظر موضوع و درونمایه

متون طنز را از حیث مایگان می‌توان به پنج دسته زیر تقسیم نمود: ۱) طنز اجتماعی، که هدف در این نوع طنز مبارزه با نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌هاست که در آداب، سنن، نظام‌ها و اقشار گوناگون جامعه دیده می‌شود. ۲) طنز سیاسی، که شامل انتقاد از ناکارآمدی ارکان و ارباب سیاست در امور داخلی و

۲-۱-۲-۱. شگردهای زبانی

روش‌های زبانی می‌تواند انواع بازی‌های زبانی، انتخاب واژگان خاص، دگرگون کردن لغات و اسامی، به‌کارگیری جملات و عبارات در غیر موضع خود و دیگر شیوه‌های کشف‌نشده در صرف کلمه و نحو جمله را شامل شود: مجاورت واژگان کهن با کلمات امروزی، بهره‌گیری از زبان‌های دیگر، واژه‌سازی و ترکیب‌سازی غریب، واژه‌های محاوره و تعبیر عامیانه، به‌کارگیری جملات معترضه، حاشیه‌روی یا اصلی شدن یک قضیه فرعی، صراحت بیش از حد، چرخش از موضوع جدی به خنده‌دار، استفاده آگاهانه از دو سبک متفاوت، بی‌ربط‌گویی، بدیهی‌گویی، شعارزدگی، اتباع، لهجه معتادان.

۲-۲-۱،۲. شگردهای بلاغی

این دسته از تکنیک‌ها به حوزه علم بیان و علم بدیع مربوط می‌شود؛ با این توضیح که طنزپرداز از امکانات متنوع علم بیان و علم بدیع در جهت خنده‌انگیزی بهره می‌برد. شایان ذکر است که امکانات بلاغی زمانی شایستگی بررسی در طنز را دارند که موجب خنده‌ناکی متن شوند و چنانچه سبب خنده‌انگیزی نباشند از دایره بحث طنز خارج‌اند.

شگردهای بلاغی در حوزه بدیع شامل مواردی چون: سجع و جناس، تکرار واژه‌ها، اسلوب معادله، حسن تعلیل خنده‌دار یا استدلال بی‌ربط، تلمیح و تضمین، استفاده از ترانه‌های ممنوع و زیرزمینی، تحریف ضرب‌المثل، ایهام، اغراق، اسلوب‌الحکیم، تجاهل‌العارف، تضاد و تناقض و در حوزه بیان شامل استفاده از تشبیهات خاص، استعاره ته‌گمیه، استعاره مکنیه (تشخیص)، کنایات طنزآمیز، تعریض یا طعنه زدن.

۲-۲-۱-۲. طنز موقعیت

در طنز موقعیت یا موقعیت طنزآمیز، طنزپرداز با الفاظ سروکار ندارد و اساس و پایه طنز او بر مفاهیم استوار

طنزپرداز معاصر، محمدرضا عالی پیام (هالو)، بیشتر طنز تلخ داریم؛ اما در طنز گل‌آقا و عبید زاکانی و در میان معاصران، آثار رضا رفیع بیشتر شاهد طنز شیرین هستیم.

۲-۱-۲. شگرد طنزپردازی

شگردهای طنزپردازی شیوه‌ها و تکنیک‌هایی است که در طنز به‌کار برده می‌شود (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۷). به تعبیر دیگر، روش‌هایی که طنزپرداز در کارش به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه استفاده می‌کند تا پیامش را در قالبی خنده‌آور به شکل موثرتر و دلپذیرتر منتقل کند. این شگردها گاهی لفظی یا کلامی و زمانی هم نمایشی و دیدنی است. لازم به ذکر است گاهی در یک متن طنزآمیز ممکن است چندین شگرد به‌کار گرفته شود.

محققان در حوزه طنز، هرکدام بسته به نوع نگاه خود، به دسته‌بندی انواع شیوه‌های طنز پرداخته‌اند، که طبیعتاً با تقسیم‌بندی دیگران متفاوت است. «با وجود کثرت انواع طنز، شیوه‌ها یا تکنیک‌هایی که در آن به کار گرفته می‌شوند نسبتاً محدودند. شاید بتوان قسمت عمده آن‌ها را تحت پنج عنوان مختلف خلاصه کرد: ۱) کوچک کردن، ۲) بزرگ کردن، ۳) تقلید مضحک از یک اثر ادبی شناخته شده، ۴) ایجاد موقعیتی در داستان یا نمایشنامه که خودبه‌خود طنزآمیز است و یا به‌اصطلاح نقد ادبی ironic situation (موقعیت کنایی) و همچنین استفاد از کنایه، گوشه و طعنه (ironi)، ۵) به کار بردن عین کلمات کسی که مورد طنز قرار می‌گیرد و ایجاد چهارچوبی مضحک برای آن» (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۷).

برای سهولت در تفکیک انواع شگردهای کلامی، آن‌ها را می‌توان به زبانی و بلاغی دسته‌بندی نمود. طنز موقعیت زیرمجموعه طنز غیرکلامی قرار می‌گیرد. در جستار حاضر، شگردهای طنزپردازی ناظر به ابزارهای زبانی، بلاغی و موقعیت بررسی و تحلیل می‌شود.

تبدیل شود، عواطفی راستین به صورت احساساتی سخیف بیان شود، یا موضوعی جدی که به شوخی به آن پرداخته شود. ویژگی اصلی نظیره عدم هماهنگی و تناسب بین موضوع و سبک است. همین ناهماهنگی موجب می‌شود این نوع نوشته‌ها جنبه‌های طنز را به خود بگیرد» (همان).

معادل‌های دیگر نقیضه پارودی و محاکات تهکمی است. این اصطلاح، از نقض به معنی ویران کردن و شکستن، و نقیض و نقیضه به معنی مخالف و ویران‌کننده است. در نقیضه‌گویی، نقیضه‌گو کلام نویسنده‌ای را در یک اثر مشخص می‌شکند تا آن را از حالت جدی به اثری مضحک تبدیل کند (اصلائی، ۱۳۸۵: مدخل نقیضه). گاهی قصد نویسنده صرفاً شبیه‌سازی نیست؛ بلکه شبیه‌سازی به قصد تمسخر، یا هجو، یا رد کردن آن اثر مهم و مشهور به شیوه سبک و سخره‌آمیز صورت می‌گیرد؛ در این مورد بهتر است به آن نقیضه‌نویسی (پارودی parody) گفت تا نظیره‌نویسی و شبیه‌سازی (همان: ۱۶۹). شایان ذکر است که طنزهای شبیه‌سازی در ادبیات ما بیشتر از نوع نظیره‌سازی و شبیه‌نویسی است و طنزپرداز در آن نه در پی مسخره کردن آثار کهن و نو، بلکه استفاده از شهرت این آثار برای خندانند خواننده است. (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۶۹). برخی نقیضه و نظیره‌سازی را دو نوع مستقل ادبی به‌شمار می‌آورند و تنها تفاوت بین این دو را در آن می‌دانند که هدف نقیضه جواب به اثر مشخص و معینی است، حال آن که در نظیره یک طرز فکر، یا یک نگرش خاص دستاویز اثر نویسنده و شاعر قرار می‌گیرد» (داد، ۱۳۸۵، مدخل نظیره‌سازی).

۲-۳. آبرونی

نخستین چیزی که هر جستجوگر درباره آبرونی با آن مواجه می‌شود دشواری تعریف آن است، تا

است. به عبارتی دیگر، شگردها در طنز موقعیت مقید به کلام نیست و بر محتوای زبان دلالت دارد و بیشتر به خلق موقعیت‌ها و به رفتار شخصیت‌ها و چگونگی فضای حادثه وابسته است. به همین دلیل، خلاف سازوکارهای مبتنی بر کاربرد زبان، امکان ترجمه کردن آن بیشتر است. در واقع در طنز موقعیت، ساختار کلام از سطح روایی فراتر رفته، تصویری و نمایشی می‌شود و در ذهن مخاطب تصویرآفرینی می‌کند؛ با این توضیح که طنزپرداز حقیقت موقعیت‌ها را درگرون می‌کند و موقعیت‌های متضاد و متناقض را در کنار هم قرار می‌دهد و صحنه‌ای می‌آفریند که تصور و تجسم آن خنده‌دار است. این نوع طنز شامل شگردهای زیر است:

توصیف‌های خنده‌دار، برعکس‌گویی، رفتارهای ناسازگار با جایگاه اشخاص، به‌کارگیری شخصیت‌های بی‌دست‌وپا، ناهمخوانی‌های زمانی و مکانی، ناهمخوانی شخصیت با محیط، درگیر کردن دو شخصیت کاملاً متضاد.

۳. گونه‌های فرعی طنز

نظیره‌سازی و نقیضه‌پردازی و آبرونی می‌تواند به‌عنوان زیرمجموعه و شاخه‌های فرعی طنز مورد بررسی قرار گیرد.

۱.۳. نظیره‌سازی (برلسک burlesque) و نقیضه‌پردازی (پارودی parody)

اصطلاح نظیره‌سازی را مشابه‌سازی یا نظیره‌نویسی «بورلسک، تقلید ریشخندآمیز، تقلید طنزآمیز، مضحکه» (اصلائی، ۱۳۸۵: مدخل نظیره) نیز می‌گویند. به عبارتی دیگر، نظیره‌سازی نوعی نوشته طنزآمیز است که از تقلید ناجور و مضحک و اغراق‌آمیز موضوع، سنت، شیوه، یا اثر هنری شکل می‌گیرد تا ضمن مسخره کردن، آداب و رسوم، عادت‌ها، افراد یا آثار ادبی را به چالش کشد... در نظیره، چه‌بسا سبکی فخیم به شکلی مضحک

۴. کارنامه شاعری و طنزپردازی رضا رفیع

محمدرضا رفیع‌زاده از جمله مجریان محافل هنری و طنزپردازان معاصر است که در رادیو و تلویزیون فعالیت می‌کند. رفیع علاوه بر آن که اشعاری با مضامین تغزلی و عاشقانه همراه با مطایبه دارد، اما عمده شهرتش در عرصه طنز و طنزازی، چه در قالب نظم و چه به شکل نثر، و البته در حوزه طنز متثور آن هم از نوع ژورنالیستی- است. جوهره و رویکرد اصلی و اساسی طنزهای او سیاسی، ادبی و فرهنگی است. از آثار طنزآمیز رفیع تنها کتاب متثور حرف اضافه چاپ شده و اشعارش هنوز منتشر نشده و به‌طور پراکنده در جراید و سایت‌ها قابل دریافت است. وی در سال ۱۳۷۶، مجله دنیای طنز را تأسیس کرد و در سال ۱۳۷۹، مسئولیت هفته‌نامه سیاسی گل‌آقا را به عهده گرفت و از سال ۱۳۸۱، عضو ثابت تحریریه روزنامه اطلاعات شد. از سال ۱۳۸۳ تاکنون، ستون طنز روزنامه جام‌جم و نیز ستون طنز اطلاعات هفتگی را به عهده دارد. برنامه «قندپهلو» ایده‌ای متفاوت بود که به سردبیری و اجرای رضا رفیع در حوزه مسابقه شعر طنز، در شبکه آموزش خوش درخشید. پس از قندپهلو، رفیع به شهرت و محبوبیت بیش از پیش رسید. در واقع هنر او در خلق شوخی‌های فی‌البداهه از هر موقعیت جدی، در اجراهای به‌ویژه زنده رادیو و تلویزیون مخاطبان زیادی را عائد رسانه کرده است.

۴-۱. ساختار، آماج و درونمایه حرف اضافه

کتاب طنزآمیز حرف اضافه تنها اثر چاپ‌شده رضا رفیع است که بازه زمانی سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ را شامل می‌شود. رفیع در این کتاب، غالباً به مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روز می‌پردازد. طنزهای این کتاب غالباً یک‌صفحه‌ای است و به ترتیب زمان وقوع حوادث، در داخل و

جایی که موکه ادعا می‌کند: «اگر روزی احساس کردید که مایل‌اید کسی را به سرگیجه فکری و تحلیلی دچار کنید، یکی از بهترین راه‌های این است که از او بخواهید درجا آیرونی را برایتان تعریف کند» (موکه، ۱۳۸۹: ۱۷).

این اصطلاح وسیله دیگری است «که در طنز به‌کار می‌رود... و در آن بازی با کلمات و ظرافت لفظی مهم است. مشکل است برای آیرونی معادلی دقیق در فارسی پیدا کرد که شامل تمام معانی آن باشد. این کلمه را فرهنگ‌ها به طعنه، استهزا و وارونه‌گویی ترجمه می‌کنند... و به‌طور کلی به استفاده از کلمات با نیتی طنزآمیز گفته می‌شود که درست عکس آن‌چه بر زبان آمده برساند... آیرونی به استهزا، تجاهل، گوشه، طعنه و نیش بیشتر می‌خورد. شاید بهتر باشد که معنی کلی آن را به کنایه طنزآمیز ترجمه کنیم» (جوادی، ۱۳۸۴: ۳۸). «به گفته یک منتقد آمریکایی، آیرونی توهینی است که به‌صورت تعارف یا خوشامدگویی بیان شده باشد» (همان: ۳۹).

آیرونی انواع مختلفی دارد که در منابع مورد استفاده تحقیق حاضر، برخی خلاصه‌تر و بعضی دیگر به تفصیل بدان‌ها پرداخته شده. از علل به‌وجود آمدن مجموعه ناهمگنی از نام‌ها برای انواع آیرونی، که نه فقط طبقه‌بندی آیرونی را آسان نکرده، بلکه مه اطراف آن را غلیظ‌تر هم کرده، این است که: «آیرونی را بیشتر به لحاظ شکل یا کیفیت آن، یا از منظر آیرونیست، قربانی آیرونی، یا ناظر آیرونیک، یا برحسب شیوه، نقش، یا اثرش نگاه کنیم» (موکه، ۱۳۸۹: ۲۱). در فرهنگ اصطلاحات ادبی سیما داد و به‌تبع او فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز محمدرضا اصلانی، از هفت نوع آیرونی ذیل سخن گفته شده: (۱) آیرونی بلاغی، (۲) آیرونی تقدیر، (۳) آیرونی رمانتیک یا خیالی، (۴) آیرونی ساختاری یا وضعی، (۵) آیرونی سقراطی، (۶) آیرونی کلامی یا طعنه، (۷) آیرونی نمایشی.

می‌برد، که این امر می‌تواند به علت فضای نسبتاً باز سیاسی در آن مقطع موسوم به دوره اصلاحات باشد. وی از رئیس‌جمهور: محمد خاتمی، وزیر راه: آقای خرم، وزیر اطلاعات: آقای یونسی، رئیس مجلس: مهدی کروبی و همچنین از عوامل روزنامه همشهری (رفیع‌زاده: ۶۲) و روزنامه یاس نو (همان: ۱۶۷)، محمد عطریانفر (رفیع‌زاده: ۱۶۴) و ضیاءالدین طباطبائی (همان: ۱۸۲) نام می‌برد.

۳-۴. درون‌مایه طنز رفیع

رضا رفیع در کتاب *حرف اضافه*، مشکلات سیاست خارجی و سیاست داخلی، معضلات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و دینی جامعه را مطرح کرده‌است:

- رفیع در انتقاد از اوضاع داخلی کشور، به مشکلات جوانان می‌پردازد و بی‌توجهی مسئولان به ازدواج، شغل، تحصیل و مسکن جوانان را موجب افسردگی، اعتیاد جوانان و فرار مغزها می‌بیند. «ده میلیارد ساعت فراغت خالص»: (رفیع زاده، ۱۳: ۹۵، ۱۳۸)، «چگونگی از بین بردن بیکاری» (همان: ۴۶) و «وداع با چی» (همان: ۴۹).

- از جمله موضوعات مورد انتقاد رفیع این است که دولت‌ها تقصیر همه نواقص و کاستی‌های مملکت را به گردن خارجی‌ها، مخصوصاً آمریکا، می‌اندازند و اگر کسی بخواهد از سیاست انتقاد کند، متهم به براندازی نظام می‌شود. «اتهام‌اندازی» (همان: ۴۷)، «انواع مقامات به قیمت روز» (همان: ۱۳۱). وی هر جا نمی‌تواند علت نابسامانی‌ها را پیدا کند و یا توضیح دهد، با تکرار شعار «مرگ بر آمریکا» به دولت طعنه می‌زند.

- او پیکان انتقاد را متوجه سیاستمداران و نمایندگان مجلس می‌کند، که مردم را فراموش کرده فقط به فکر باندبازی و رقابت با جناح مخالف هستند و در نتیجه مناقشات داخلی در همه

خارج از کشور، نوشته و تنظیم شده‌است. در واقع، محتوای طنز این کتاب یک دوره کامل از اخبار این مقطع دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی موسوم به دوره اصلاحات و گفت‌وگوی تمدن‌ها- را شامل می‌شود. هرچند کتاب *حرف اضافه* به ترتیب سیر زمانی تنظیم شده‌است، اما طنزهای این کتاب هرکدام مستقل بوده و وابستگی محتوایی به هم ندارند. مطالب کتاب غالباً به شکل متن کوتاهی مشابه متون دیگر کتاب است، که ضمن آن با عناوین و مطالب مهم اخبار روزنامه‌ها و یا تلویزیون شوخی و از آن‌ها انتقادی طنزآمیز شده‌است.

رضا رفیع در کتاب *حرف اضافه*، از قالب‌هایی مثل حکایت، داستان مینی‌مال، نمایش، برنامه‌آشپزی، برنامه هواشناسی، شایعه و پرسش فلسفی بهره می‌گیرد. وی همچنین گاهی برای متن طنزآمیز خود بخش‌هایی نظیر: هشدار، پیشنهاد، توضیح، در حاشیه و نتیجه‌گیری تعریف و تنظیم می‌کند. ضمناً او گاهی ابیات خنده‌داری می‌سراید و در خلال نثر طنزآمیز *حرف اضافه* قرار می‌دهد.

سبک او در نگارش نثر طنزآمیز، ژورنالیستی است و زبان طنز او را نه کاملاً ادبی و نه صرفاً محاوره‌ای، بلکه می‌توان میانه و تلفیقی از این دو سبک برشمرد.

۲-۴. آماج طنز رفیع

رضا رفیع در کتاب *حرف اضافه*، از سیاست‌های داخلی و خارجی حکومت انتقاد می‌کند و به‌نوعی در جای‌جای کتابش بر مسئولان، مدیران، نمایندگان مجلس و وزیران و سران سه قوه و رئیس مجلس و رهبران جناح‌های سیاسی و شهردار تهران می‌تازد.

ضمناً رفیع در کتاب خود اسامی اشخاص سیاسی و اجتماعی و مدیران روزنامه‌ها را واضح و صریح نام

عملکرد جناحی صدا و سیما انتقاد می‌کند. «جایزه آری نمایش ناری» (همان: ۷۲) و «تجلیل از هاچ زنبور همیشه غسل» (همان: ۶۴).

- رفیع همچنین در مورد وضعیت اسفبار حقوق بشر در ایران تذکر می‌دهد. «حقوق داریم تا حقوق» (همان: ۹۲) و «مردم حقوق بگیر» (همان: ۱۰۱).

- رضا رفیع از این که مسئولان به جای اصلاح اساسی زیرساخت‌ها و ریشه‌کن نمودن مشکلات، سرگرم کارهای بی‌ارزش، کم‌اهمیت و نمایشی هستند، ابراز نارضایتی می‌کند. وی با تلخندی زیرکانه، اقدامات روبنایی و بی‌تأثیری همانند: تغییر نام وزارتخانه‌ها «اسم را بگذار مسمی را بجوی» (همان: ۱۰۲)، تخصیص اعتبار برای زندان‌ها «ابراز ندامت به چند» (همان: ۷۷) و دستشویی روستاها «دستشویی‌های معتبر» (همان: ۴۷) و بستن فروشگاه‌هایی که لباس‌های نامناسب عرضه می‌کنند. «مانتوی کوتاه‌مدت» (همان: ۳۱) را به چالش می‌کشد.

۵. شگردهای طنزپردازی در حرف اضافه

طنزهای کتاب حرف اضافه به نثر آن هم با سبکی ژورنالیستی به نگارش درآمده‌اند. طنزهای این کتاب از منظر کمیت یکسان و یک‌دست نیستند، با این توضیح که پنج طنز نخست کتاب مزبور طولانی و مابقی طنزها عموماً یک یا دو صفحه‌ای هستند. رفیع از انواع شگردهای مربوط به ساحت زبان و بلاغت برای خنده‌انگیزی طنز خود بهره گرفته، که در نوشتار حاضر یافته و ذیل یکی از مقولات حوزه زبان و بلاغت گنجانده شده‌است.

۵-۱. شگردهای زبانی در حرف اضافه

در این قسمت، عناوین و به‌تبع شواهدی ذکر می‌گردد که به حوزه زبان مربوط است، با این توضیح که شگردها یا به حوزه قاموسی و واژگانی

ارکان حکومت، کشور دچار عقب‌ماندگی و سیر قهقرایی شده‌است. «انواع دیگر وحدت رسید» (همان: ۴۹)، «بیماری سیاسی هم بد دردی است» (همان: ۶۹) و «نمایندگان پاره‌وقت» (همان: ۱۰۴).

- وی همچنین به اقتصاد بیمار کشور و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و دست‌اندرکاران اقتصادی کشور می‌تازد و خانواده‌شان را غرق در فساد مالی می‌داند و بر این باور است که دزدی و کلاهبرداری آن‌ها اقتصاد کشور را ناکارآمد و فلج کرده‌است. «حاسبو قبل ان تحاسبوا» (همان: ۴۵) و «بهار بنزینی» (همان: ۹۶).

- رفیع در جای جای کتابش به دعوای دولت و مجلس و شورای نگهبان و جناح‌های سیاسی می‌پردازد و اظهار تاسف می‌کند. «مجلس ختم اصلاحات» (همان: ۱۷۳) و «فساد جدید» (همان: ۱۷۸).

- رفیع از وزیرانی که پاسخگوی مردم نیستند به شدت انتقاد می‌کند، مثل وزیر اطلاعات، که ناامنی‌های جامعه را بر نمی‌تابد و مخالف انتقادگران است. «بزرگ‌نمایی منفی» (همان: ۱۹۶) و یا مثل وزیر پست و تلفن، که به جای جواب دادن به خبرنگار، خود را به کوچۀ علی‌چپ می‌زند. «پارازیت افزایش قیمت» (همان: ۱۵۲) و یا مثل وزیر راه، که جان مردم برایش مهم نیست و از تعداد زیاد سوانح زمینی و هوایی نگران نمی‌شود و جز فرافکنی و به‌عبارتی برون‌سپاری، چاره‌ای دیگر نمی‌اندیشد. «هنوز برای سقوط جا هست» (همان: ۹۳).

- از جمله درون‌مایه‌های طنز رضا رفیع، انتقاد از برخی مسئولان است که مخالفان خود را فاقد تشخیص فرض کرده و در پی مجازات آزاداندیشان هستند. «ملی مذهبی محکوم می‌کنیم» (همان: ۱۱۶).

- وی همچنین به موازی‌کاری ارگان‌های فرهنگی می‌تازد، از عملکرد حوزه هنری و نیز از

ماجمالی.

فعل‌هایی همانند: تقی به توقی خورد (همان: ۲۴)، بذار سر گُلْمَن آبش رو بخور، سگ صاحبش را گم می‌کند، اخ کن بیاد داداش!، گزک دادن دست مردم.

در یکی دو دهه اخیر، با گسترش رسانه‌های اجتماعی نظیر: تلگرام، ایمو و واتس آپ، بسیاری از اصطلاحات انگلیسی را به شکل افعالی به کار می‌گیرند که برخی ذیل محاوره و دسته‌ای زیر عنوان زبان عامه می‌گنجد. برای نمونه می‌توان «اد کردن» را محاوره و «چتیدن» را عامیانه دانست: پس آی‌دی بده ادد کنیم تا با هم بچتیم (همان: ۴۲۵).

زبان محاوره: واژه‌هایی همانند: آقازاده، طفلکی، مزدبگیر، گنده‌گویی (همان: ۷۴)، دوبله، زاپاس و ... «هنگام قرائت هر متنی در مجلس نسخه‌ی زاپاس را فراموش نفرمائید» (همان: ۱۰۵).
به‌کارگیری کلمات غیرفارسی: رفیع گاهی از کلمات عربی و انگلیسی در طنز خود استفاده کرده، که همنشینی این کلمات با کلمات فارسی سبب خنده خواننده می‌شود. کاربردهای عربی همانند: المسمی، معذک، مذموم، منویات، لدی‌الورود، یومیه، ممت و کلمات و عبارات انگلیسی همانند sitting, eating, in the name of God (همان: ۴۰) up to date (همان: ۳۵۷).

عبارات کهن: به‌کارگیری کلمات کهنه و قدیمی که سبب ایجاد جدیت و وقار متن می‌شود و در فضای تُنک و غیرجدی طنز، موجب خنده‌ناکی متن می‌شود. رفیع به‌ندرت از امکانات واژه‌های کهن پارسی بهره برده‌است. تخته‌بند، خُسیده (همان: ۲۱)، عنقریب، اجنبی، فی‌المجلس (همان: ۲۹)، گران‌سنگ و به‌کارگیری افعال تأکیدی نظیر بشد و صرف فعل بودن در زمان ماضی التزامی: بوده باشد (همان: ۲۳).

مربوط هستند، نظیر: به‌کارگیری کلمات و تعابیر عامیانه و محاوره، واژه‌سازی‌های مخالف قیاس صرفی، به‌کارگیری لهجه معتادان، همنشینی کلمات کهن با واژگان امروزی یا فرنگی و بکارگیری اتباع، غلط‌های عمدی املائی. و یا شگردهای مربوط به ماهیت، لحن و حال‌وهوای جملات هستند، چون: به‌کارگیری جملات معترضه خاص، بدیهی‌گویی، بی‌ربط‌گویی، رک‌گویی.

به‌کارگیری زبان عامیانه: نجفی برای زبان گفتار قائل به دو دسته زبان محاوره و زبان عامیانه است. وی زبان محاوره را مترادف زبان متداول یا روزمره می‌داند، که زبان مردم فرهیخته و نیمه‌فرهیخته است؛ اما زبان عامیانه از نگاه او «نه مفهومی اجتماعی-سیاسی، بلکه بر مفهومی اجتماعی-فرهنگی دلالت می‌کند و آن عبارت است از کلمات و ترکیبات زبان محاوره مردم نیمه‌فرهیخته، که بی‌قیدوبند سخن می‌گویند و الفاظی بر زبان می‌آورند که مردم فرهیخته از ادای آن‌ها، خاصه در محافل رسمی، به‌شدت احتراز می‌کنند» (نجفی: ۱۳۸۷: هفت). به عبارت دیگر، زبان عامیانه «گونه‌ای است که میان قشرهای بی‌سواد و کم‌سواد و دارای مشاغل کم‌اعتبار رواج دارد» (رضایی، ۱۳۸۳: ۲۷). کاربرد این دسته از کلمات، تعابیر و جملات محاوره و عامیانه و همراه کردن آن با زبان ادبی و شعر، موجب افزایش صمیمیت متن طنز می‌شود و مردم عامه لذت بیشتری می‌برند و ارتباط بیشتری با متن برقرار می‌کنند. رضا رفیع از ظرفیت هر دو دسته - چه در سطح انواع واژه و چه به صورت عبارات ترکیبی- استفاده کرده و از این امکانات، علاوه بر نزدیک ساختن کلام خود به زبان توده، در خنده‌انگیزی طنز خود بهره برده‌است.

واژه‌هایی همانند: الکی (رفیع‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۴)، اراجیف، تُنبان، هِرَوِر، دری‌وری، لامصب، عینهو،

آواز می‌خواند: «هر دم آواز عشق می‌رشد از شب و راشت!» و می‌گوید: «ژان ناقابل ما به فدای هرچی علم و ملم!» (همان: ۴۰۲)

جمله معترضه: رفیع از جملات معترضه دعایی و توضیحی در سیزده موضع از کتاب حرف اضافه استفاده کرده‌است. وی بیشتر جهت طعنه زدن به مسئولان از این امکانات بهره برده‌است. «میرزا فشمشم قالب تهی کرد و - اگر رنگ خون زرد بوده باشد- افزون از حد از وی خون خارج بشد» (همان: ۲۳).

رک‌گویی: گاهی رفیع ناچار می‌شود مستقیماً و به‌صراحت، مشکلات جامعه را بیان کند که این امر جنبه شوخی کلام را کم‌رنگ‌تر نمایش می‌دهد. «اگر یکی از ماها خطاب به مقامات حکومتی همین حرف را می‌زد، حساب کنید تا حالا چند بار دخلش آمده بود!» (همان: ۱۶۹).

چرخش از جدی به شوخی: گاهی سخن از فضای جدی به‌طور غافلگیرانه‌ای لحن شوخی به خود می‌گیرد. به نظر می‌رسد که رفیع از این روش برای نکوهش و تمسخر اعمال نابخردانه مسئولان بهره برده‌است. اگر مدافع نظریه درهای باز هستید، هنگام زلزله از طریق در فرار کنید. (همان: ۳۵).

شعارزدگی: شگرد شعارزدگی، همانند به‌کارگیری لهجه معتادان، تقریباً از تکنیک‌های نوظهوری است که در متون کلاسیک، شاید به‌دلیل نبود بستر آن، شناخته‌شده نبوده‌است. در حرف اضافه حدوداً بیست مورد از شگرد مذکور به‌کار گرفته شده. رفیع در کتاب خود به‌طور اغراق‌آمیزی از شعار «مرگ بر آمریکا»، آن هم در جایی که اصلاً موضوع بحث ارتباطی به این کشور ندارد، استفاده کرده؛ گویا وی از این رهگذر، سیاست خارجی نظام را، که در مواجهه با هر معضلی به‌دنبال دلایل خارجی است، مورد اعتراض قرار داده‌است. شایان ذکر است که دشنام و فحش در

ساخت کلمات و عبارات طنزآمیز: رفیع با خلاقیت و قریحه طنزآمیز خود، به خلق کلمات و عباراتی می‌پردازد که موجب خنده‌ناکی هرچه بیشتر طنزش شده‌است. کلمات و ترکیباتی همانند: منکرات اشتباهی، الغیبه شصت تا شتا، پیشرفت تکنوپولی، شخصیون (به‌جای لباس شخصی)، امواج هرجایی ماهواره، اتهام ورناندازی و دراندازی، زلزله‌لوژی (همان: ۳۵)، کوفت‌وکوب تمدن‌ها (همان: ۱۴۴)، تبنان ابوموسی (همان: ۳۷۹) و ترقص. (همان: ۲۷).

اتباع: رفیع از این امکانات هم استفاده انگشت‌شماری کرده‌است: شلوغ پلوغ، غرض مرض، انگیزه منگیزه و علم و ملم.

یکی از بزرگان اهل خرد به زبان عربی مشهدی گفته‌است: «السُّلُقُ شُلُقٌ»؛ یعنی سلیقه‌ها شلوغ و پلوغ است (همان: ۳۷). از شخصی پرسیدند: «انگیزه شما چه بود؟» شخص با ناراحتی گفت: «من انگیزه منگیزه حالیم نیست» (همان: ۱۴۸). **غرض و مرض آنکه،** اگرچه سابقاً اجداد ما می‌گفتند ... (همان: ۵۳). می‌گوید: «ژان ناقابل ما به فدای هرچی علم و ملم!» (همان: ۴۰۲).

غلط املائی: غلط املائی عمدی نیز می‌تواند از شگردهای طنزپردازی باشد. رفیع از این امکانات نیز به‌شکل محدودی بهره برده‌است: «در عصر حجر واژه توفان به‌صورت طوفان نوشته می‌شد، که بی‌سواری انسان‌های اولیه را نشان می‌دهد (همان: ۳۶). چنانچه در قید **حیاط** می‌باشید از حیاط استفاده کنید» (همان: ۳۸).

لهجه معتادان: رفیع در سه موضع از کتاب حرف اضافه با به‌کارگیری لهجه قشر آسیب‌دیده جامعه، سعی در خنده‌آمیز کردن سخن خود دارد. «به معتادی گفتند: «نباید دیگر مصرف کنی، چون دولت خاتمی تو را به جزیره می‌فرستد.» معتاد گفت: «ژون ما! مگه دولت مشدق عوژ شده؟!» (همان: ۱۴۳). با اعلام شدن کوپن تریاک، معتادی

ارنست همینگوی (همان: ۴۹).

اسرار فلان را نه تو خوانی و نه من

وین جرم سیاسی نه تو دانی و نه من

(همان: ۴۰)

مثال بالا به این بیت از رباعی خیام تلمیح دارد:

اسرار آزل را نه تو دانی و نه من

وین حرف معماً نه تو خوانی و نه من

ارسال المثل: رفیع از تمثیل یا ارسال المثل نیز

به شیوه بسیاری از طنزپردازان بهره گرفته است؛ با

این توضیح که گاهی عین مثل را آورده، اما در اکثر

موارد در ضرب المثلها، با دخالت امور جاری،

دست کاری ایجاد می کند و سبب خنده انگیزی متن

می شود. «جلوی بدآموزی را هر جا بگیری آموزنده

است» (همان: ۹۲).

تضاد: رفیع از این شگرد به صورت بسیار

محدود - پنج مورد- در طنز خود بهره برده است.

«وزیر اطلاعات گفته: «که نگرانم نسل کنونی با

گذشته خود وداع کند؛ اما با توجه به آمار

خودکشی های جوانان، انگار نسل کنونی دارد با

آیندهی خود وداع می کند» (همان: ۴۹).

تناقض: رفیع با استفاده از مفاهیم متناقض برای

انتقاد از وضعیت موجود استفاده کرده است. «در یوم

پنجشنبه شب، معروف به شب جمعه» (همان: ۲۸).

اغراق: اغراق شامل بزرگ نمایی و کوچک نمایی

می شود. رفیع غالباً از روش بزرگ نمایی برای تمسخر

سردمداران کشور استفاده کرده و اقدامات ناچیز آنها

را بزرگتر از حد جلوه داده است. «آقای خاتمی رئیس

جمهور قاطع و کوبنده، در جمع نمایندگان مجلس،

در بیان دلیل ارائه لایحه قانون انتخابات، با یک

جسارت مثال زدنی! دل به دریا زدند و گفتند: «هدف

ما دفاع از حقوق مردم بود!» (همان: ۱۰۱) در اینجا

رفیع به دفاع ضعیف و مدارا مآبانه خاتمی، که به نوعی

شبهه دفاع از لایحه بوده، اعتراض می کند.»

تجاهل العارف: رفیع از شگرد تجاهل العارف

طنزها مرسوم بوده، اما این شعار خاص با صورت های کهن فاصله دارد.

رفیع، طنز «برخورد سوم از نوع نزدیک» را، که

اصلاً موضوع آن ارتباطی با آمریکا ندارد، چنین

پایان می دهد: «ضمناً تا یادم نرفته مرگ بر آمریکا!»

(همان: ۵۰)

۲-۵. شگردهای بلاغی در حرف اضافه

رفیع در کتاب حرف اضافه از انواع ظرفیت های

مربوط به حوزه بلاغت، اعم از آرایه های لفظی و

معنوی در علم بدیع، و چه انواع تصویرپردازی های

علم بیان جهت طنزآمیز کردن سخن خود، بهره

برده است.

جناس: رفیع در حرف اضافه از جناس تام و

انواع جناس ناقص نظیر: جناس مرکب، اشتقاق

لفظی، لاحق و محرّف برای تقویت خنده انگیزی و

تأثیر هرچه بیشتر طنزش بهره برده است.

جناس تام: با دو چشم سر بینی که کلاهی

سرت رفته تا بینی (رفیع زاده، ۱۳۹۵: ۲۴)

جناس لفظی: وقتی ترتیب روزنامه همشهری

به همراه ضمیمه اش داده شد، کادر ذمیمه آن به

فکر طلوعی دیگر افتادند (همان: ۱۸۱).

سجع: رفیع با به کارگیری سجع، طنز خود را

شیرین تر کرده است. «بوش کابوی، رهنانه کمان

کشیده و در کمین، که زند صدام را به تیر و من

غمین و در کمال بی طرفی همه غم بود از همین!»

(همان: ۴۸)

تلمیح و تضمین: در کتاب حرف اضافه، به اعلام

و ماجراهای دینی و تاریخی، همچنین شخصیت های

داستان های کهن و یا بخش هایی از اشعار و مطالب

مشهور بزرگان به صورت تلمیح و یا تضمین اشارات

زیادی شده است: مولانا شمس تبریز (همان: ۲۵)،

حسام الدین چلبی (همان: ۴۲)، هویدا و گل ارکیده

(همان: ۴۰)، دکارت (همان: ۴۸)، نوسترآداموس و

برای انتقاد از دستگاه‌های حکومتی به‌خوبی بهره برده‌است. «چون سایر روزنامه‌ها حرف‌های ضرغامی را منعکس کردند، ما هم منعکس کردیم، تا ببینید چگونه بعضی‌ها به خواسته ایشان بی‌توجهی کرده‌اند!» (همان: ۳۵).

حسن تعلیل خنده‌دار: رفیع در ریشه‌یابی بعضی معضلات جامعه، دلایل بی‌ربط و خنده‌داری ارائه می‌دهد. «اصلاً علت خودکشی جوانان ما همه‌اش تقصیر همینگوی غربزده است، که هم وداع با اسلحه را نوشت هم خودش را با اسلحه زد و خلاص کرد» (همان: ۴۹).

ایهام: رفیع به طرز هنرمندانه‌ای از شگرد ایهام در جهت خنده‌انگیزی سخنش بهره برده‌است. مثال: شورای شهر تصمیم گرفت، جلوی تراکم را بگیرد تا هیچ آدم تراکم خری بیش از سه طبقه نتواند بسازد (همان: ۱۲۷).

اسلوب‌الحکیم: رفیع به خنده‌انگیزی این صنعت هم واقف بوده و در دو مورد از آن استفاده کرده‌است: در طنزی با نام «پارازیت افزایش قیمت» که در قالب مصاحبه‌ای طراحی شده، وزیر پست در جواب به سؤالات خبرنگار، پاسخ‌های بی‌ربط می‌دهد و به تعبیری خود را به کوچه علی‌چپ می‌زند!

سؤال: می‌شود بفرمایید نظرتان راجع به دستوره‌ای صادره د خصوص کاهش نرخ خدمات دولتی دستگاه‌ها چیست؟

جواب: بله سؤال خوبی به عمل آوردید، به نظر من راه مقابله با تصاویر ماهواره‌ای بازدهی مناسب نداشته.

سؤال: لطفاً راجع به عدم کاهش نرخ بلیط هواپیما صحبت بفرمایید.

جواب: ببینید ما نباید ماهواره را ممنوع کنیم، بلکه باید ماهواره مجاز را تعریف کنیم (همان: ۱۵۲).

تشبیه: با آن که تشبیه کارکرد زیادی در متون طنزآمیز دارد؛ اما رفیع در کتاب نسبتاً پرحجم حرف اضافه، تنها دو بار از این ظرفیت استفاده کرده‌است. «مین‌هایی که بلاتشبه عینو نفس اماره است» (همان: ۶۲).

استعاره مکنیه: رفیع از این شگرد نیز در حد محدودی - پنج بار- بهره گرفته‌است. «با این همه حرفی که پشت سر مارمولک زده شده، همین‌که تا به حال «مهدورالدم» اعلام نشده جای شکرش باقی است» (همان: ۳۴).

کنایه: رفیع در کتاب حرف اضافه از کنایه‌های گذشتگان استفاده کرده، گاهی هم کنایه‌های قدیمی را با اندکی تغییر به خدمت گرفته‌است. «دیگران فاتحه‌ات را نخواندند» (همان: ۲۲)، «رَبِّ و رُبِّ خود را فراموش کند» (همان: ۲۲)، حلوا چو یک بار خورند بس.

تعریض: رفیع از این ظرفیت بلاغی در جهت انتقاد از نابسامانی‌های جامعه به‌خوبی استفاده کرده و با بیانی غیرمستقیم و کنایه‌آمیز، مسؤلان مربوط را به چالش کشیده هشدار داده و حتی به سخره گرفته‌است. «فیلم «خانه‌ای روی آب» در جشنواره فجر جایزه گرفته، اما در سینماها اجازه نمایش نگرفته؛ پس برای جایزه دادن به فیلم‌ها بهتر است از قبل یک هماهنگی مختصری با عزیزانی همچون مدعی‌العموم محترم به عمل آورده شود!» (همان: ۷۲)

۳-۵. طنز موقعیت

معمولاً طنز موقعیت به دلیل حاکمیت منطق دراماتیک و نمایشی در تئاتر، فیلم یا نمایش بروز آشکارتری دارد. در آثار مکتوب نظیر داستان و رمان، خلق موقعیت طنزآمیز بیشتر بر عهده توصیف است؛ که رفیع برای خلق موقعیت این‌چنینی، علاوه بر توصیف خنده‌دار که از بسامد بیشتری برخوردار است، از ناهمخوانی زمانی و

۶. گونه‌های فرعی طنز در حرف اضافه

از میان شاخه‌های فرعی طنز در کتاب حرف اضافه، با نمونه‌هایی از آبرونی و نظیره‌سازی روبه‌رو شده‌ایم:

آبرونی: با دقت در طنز رفیع، می‌توان شواهدی از دو نوع آبرونی بلاغی و کلامی به دست آورد. اصطلاحات و ویژگی‌های نزدیک به این دو نوع آبرونی، که در بسیاری از مواقع با آن‌ها هم‌پوشانی دارند، عبارت‌اند از: کنایه طنزآمیز و طعنه و استهزا، مجاز به علاقه تضاد و به تعبیری استعاره تهکمی، تجاهل‌العارف طنزآمیز و مدح شبیه به ذم و ذم شبیه به مدح، برعکس‌گویی و به عبارتی نعل وارونه زدن، کنایه‌گویی و به کار بردن کلمه‌ها، عبارت‌ها در غیر معنی حقیقی آن‌ها.

- **آبرونی بلاغی:** «در این قسم آبرونی، نظر و لحن نویسنده یا گوینده دقیقاً عکس آن چیزی است که بر زبان می‌آورد. برای مثال در این مورد می‌توان از رساله اخلاق الاشراف عبید زاکانی نام برد که نویسنده با لحنی به‌ظاهر جدی امر به منکر و نهی از معروف می‌کند و کاملاً واضح است که آنچه می‌گوید خلاف رای و نظر حقیقی اوست... آنچه مسلم است، نویسنده بدین وسیله می‌خواهد عقیده‌ای کاملاً مغایر با نظر حقیقی خویش را ابراز دارد» (داد، ۱۳۸۵: مدخل آبرونی).

در اخبار آمده که ظرفیت بهشت زهرا تا پنج سال آینده تمام می‌شود، پس سازمان ملی جوانان باید طرح‌هایی برای واگذاری گور به جوانان با اقساط مناسب و به شرط تملیک در آینده در نظر بگیرد! (رفیع‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۸).

نام وزارتخانه پست تغییر کرد پس به زودی تمام اختلالات تلفن‌های همراه برطرف خواهد شد! (همان: ۱۰۲).

نمونه بارز برخورد قاطع با مفسد اقتصادی، شهرام جزایری است که بعد از برخورد قاطع با ایشان هرچه مفسد اقتصادی در جامعه بود کن

مکانی نیز بهره گرفته است.

توصیف خنده‌دار: در روایت کابوسنامه، رفیع با توصیف یک فضای خنده‌دار توانسته موقعیتی طنزآمیز خلق کند: «پدري با پرسش می‌گوید که آخر عمرش رسیده. حالیه زهوار این تخته‌بند، عنقریب از چهار جهت در خواهد رفت در رفتنی!» (رفیع‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۱)

در کابوسنامه حکایتی ذکر شد: «اگر حواس خواجه به نظارت هر پریرویی غافل نگشتی و پرت نشدی، پس همانا شست مبارک در سوراخ خیابان فرو نگشتی!» (همان: ۲۳)

- در روایت مبارزه با مفسد اشتباهی، رفیع با همنشینی موضوع حسی و عقلی و توصیف آن، موجب خنده مخاطب می‌شود: احساس می‌کردم دارم به تاریخ انقضای جوانی‌ام نزدیک می‌شوم و عنقریب بوی فسادم عالم و آدم را از جا برمی‌دارد! رفتم مدرک ۱۶ سال آزرگار دانش خود را از روی کوزه آب برداشتم! (همان: ۲۷)

- در آموزش زلزله از راه دور، رفیع با همنشینی واژگان نظامی و عامیانه و توصیف موقعیت خطرناک و توصیه به امر غیرممکن، ایجاد خنده می‌کند: ممکن است در هنگام زلزله و حین پریدن از پنجره، یادتان بیفتد که شما ساکن طبقه شانزدهم هستید، اشکالی ندارد، بر اوضاع سوق‌الجیشی خود و شلوارتان مسلط باشید و بدانید که از هر جای ضرر برگردید به سود شماست (بازگشت همه به سوی اوست!) (همان: ۳۳).

آمیختن دو زمان: رفیع گاهی در کتاب حرف اضافه، با تداخل عناصر و شخصیت‌های کهن در فضا و موضوعات جدید، در پی طعنه و اعتراض به مسئولان است. «یکی از غارشناسان معروف اجنبی در کتاب گرانسنگ غارهای ضدزلزله با یک طبقه حق تراکم، راجع به شعری سخن می‌گوید» (همان: ۳۶).

فیکون گردید! (همان: ۱۶۳).

در جذب شدن جوانان آمریکایی به مصرف مشروبات الکلی می‌گوید: خوشبختانه در ایران گرایش جوانان فهیم ما به سمت دوغ آبعلی است که عده‌ای از نوع با گاز و عده‌ای بی گاز آن را مصرف می‌کنند. (همان: ۲۵۶).

علت اصلی بروز چالش‌ها و اختلافات در مسائل کلان شهری، سبقت غیرمجاز سازمان‌های دولتی، صرفاً برای خدمت بیشتر و زودتر به مردم عزیز کشورمان می‌باشد! (همان: ۳۵۰)

در نشست چهارجانبه‌ی کاندیداها از آنجا که هرکدام از این چهار نفر که به ریاست جمهوری نائل بشود، ایران گلستان می‌شود و دنیا و آخرت همه تبدیل به بهشت خواهد شد؛ فلذا می‌شود هشت بهشت! (همان: ۴۶۳).

عیب جرم سیاسی آن است که حدودش مشخص نیست؛ اما جرایم رانندگی از شدت شفافیت زائدالوصف، آنورش هم پیداست (همان: ۳۹).

به نظر می‌رسد در خصوص ایدز هم داریم خودکفا می‌شویم و نیازی به واردات آن نیست! (همان: ۴۵۴)

یک تابلوی نفیس نقاشی از موزه سعدآباد با موفقیت کامل به سرقت رفت، که با هوشیاری کامل و سرعت عمل به موقع نیروهای حراستی محافظ موزه مواجه نشد! (همان: ۱۲۰)

در کوی دانشگاه تهران، روز ۱۸ تیر، اتفاق ناچیزی افتاد که عده‌ای خودشان را به شدت به باتوم‌ها و زنجیرها زدند و یک نفر هم خودش را از پنجره انداخت پایین که بحمدالله آسیبی به زمین نرسید (همان: ۱۴۱).

توالتهای عمومی توی راه به حدی پاکیزگی از در و دیوارش می‌ریزد، که آدم هوس می‌کند از اتوبوس خود جا بیفتد (همان: ۲۴۱).

- **آیرونی کلامی:** به این آیرونی، وارونه‌سازی

کلامی، لفظی و وارونه‌سازی طعنه هم می‌گویند. البته موکه آیرونی کلامی را اصطلاح دقیقی نمی‌داند و بر آن است که «آیرونیست امکان استفاده از رسانه‌های دیگر را هم دارد، انسان می‌تواند کرنش یا لبخند آیرونیکی تحویل بدهد، نقاشی آیرونیکی بکشد، یا آهنگ آیرونیکی بسازد؛ اما از آنجا که هدف «آیرونی رفتاری» - قطع نظر از رسانه‌اش - انتقال معنایی است، این نوع آیرونی را هنوز می‌توان «زبانی» شمرد» (موکه، ۱۳۸۹: ۶۷).

در این وارونه‌سازی، نویسنده خلاف آن چیزی را می‌گویند که منظور دارد و خواننده هم به منظور اصلی او آگاه است. (اصلائی، ۱۳۸۵: مدخل وارونه‌سازی). «این قسم آیرونی بر اساس مغایرت و مخالفت بین آن چه بر زبان جاری می‌شود با منظور حقیقی استوار است... هنگامی که آیرونی کلامی برای مقاصد استهزائی و هجوآمیز به کار رود تقریباً با تهکم و با استعاره ناساز برابر است» (داد، ۱۳۸۵: مدخل آیرونی)؛ مثلاً به کسی که زیاد خوابیده می‌گویند سحرخیز این در واقع نوعی برعکس‌گویی است، که مراد از این تعبیر پرخوابی و تنبلی او است، به عبارتی منظور و مدلول، مغایر کلام است. شایان ذکر است که: «اگر تضاد ظاهر با واقعیت یک شناسه‌ی بنیادین آیرونی باشد، اطلاع از این تضاد یک شرط لازم برای شناسایی آیرونی است» (موکه، ۱۳۸۹: ۷۴). به عبارتی، جمله زمانی آیرونیکی است که خلاف واقع باشد و شخصی آن را آیرونیکی تلقی می‌کند که واقعیت را بداند.

در حرف اضافه زمانی که اقدامات ناشایست و ناکارآمدی مقامات ذکر می‌گردد و در همان متن مسئولان امر و نهادهای مربوط با اوصاف و القاب محترمانه توصیف می‌شوند، آیرونی کلامی موثری ایجاد می‌شود. لازم به ذکر است که ضمن شواهد ذیل می‌توان آیرونی بلاغی هم یافت.

در مورد اصلاح طرح ممنوعیت ماهواره، پس

از مقدمه *قابوسنامه* شبیه‌سازی کرده که بخشی از آن ذکر می‌شود:

متن قابوسنامه «چنین گوید جمع کننده‌ی کتاب پندها، الامیر عنصرالمعانی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر، با فرزند خویش گیلان شاه: بدان ای پسر که من پیر شدم و ضعیفی و بی‌توشی بر من چیره شده... بدان ای پسر که سرشت مردم چنان آمد که تکاپوی کند تا از دنیا آنچه نصیب آمده باشد به گرامی‌تر کس خویش بماند و نصیب من از دنیا این سخن آمد و گرامی‌تر کس بر من تویی. چنان زندگانی کن که سزای تخمه پاک توست که تو را ای پسر تخمه‌ی بزرگ و شریف است از هر دو طرف» (یوسفی، ۱۳۶۲: ۳ و ۴).

مثال: قابوسنامه: من تالیفات امیر عنصرالمبایلی معلوم الحال کابوس ابن مزد بگیر ابن زیادی، چنین گوید جمع کننده‌ی ابن اراجیف با فرزند خویش سیامک المسمی به سیا: بدان ای پسر که سرشت مردمان این زمانه آن است که یک عده از سر عده‌ای دیگر کلاه بردارند و زمانی نگذرد، که آن عده کلاه از سر این عده بردارند (رفیع‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۱). و یا: ای پسر تو از هر دو سوی کریم‌الطرفین باشی و باید که هر جا روی پس فی‌المجلس قدر بینی و بر اتوبان صدر نشینی (همان: ۲۲).

نتیجه‌گیری

درونمایه آثار طنزآمیز رضا رفیع، مسائل و گره‌های سیاست خارجی و داخلی، معضلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بعضاً دینی را شامل می‌شود. وی ضمن انتقاد از اوضاع داخلی کشور، به ناکارآمدی عناصر قدرت، ضعف سیستم‌های تصمیم‌گیری، اجرایی و احکام قضایی، عملکرد رهبران جناح‌های سیاسی نیز می‌پردازد. از جمله دغدغه‌های رفیع، عدالت اجتماعی و آزادی بویژه آزادی مطبوعات و نویسندگان کشور است. به مشکلات جوانان نیز عنایت ویژه دارد

از کش و قوس فراوان، مجلس محترم به یک نتیجه متفن رسید! (رفیع‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۱)

جناب مستطاب علی‌اکبر اشعری که یک معلم بود، قائم مقام وزیر فرهنگ و معاون مطبوعاتی او و مدیر مسئولی سروش را هم متقبل شده بود! (همان: ۶۳)

خبر گران شدن سیب زمینی در نگاه گردانندگان آن روزنامه عدالت پرور آنقدر مهم و حیاتی بوده که خبر ناقابلی مثل افزایش ۳۰ درصدی مسکن با حروف ریزتر آمده بود (همان: ۱۳۰).

یکی از روحانیون انصار حزب‌الله در مورد تصویب لوایح دولوی آقای خاتمی گفته بود جان جریان فساد در همین لوایح است. نکته مهم: آفرین به این قدرت تحلیل معرکه! بعضی‌ها به تنهایی به چه کشفیاتی می‌رسند. (همان: ۱۷۷).

نظیره‌نویسی و نقیضه‌پردازی: رفیع از این دو شیوه طنزپردازی نیز بهره برده است. وی علاوه بر آن که به شبیه‌سازی از گلستان و نقیضه‌پردازی از قابوسنامه پرداخته، در چند فقره نیز به تقلید از سبک کهن دست زده و یا به نقض یک جریان اجتماعی پرداخته است.

حکایتی از باب اول *گلستان*، در سیرت پادشاهان: دو برادر بودند، یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو نان خوردی. باری این توانگر گفت درویش را که چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی؟ گفت تو چرا کار نکنی تا از مدلت خدمت رهایی یابی؟ (سعدی، ۱۳۹۲: ۸۳).

رفیع در طنزی با عنوان «لطفاً یک شبه رشد نکنید» حکایت مزبور را نظیره‌نویسی کرده است: نقل است که دو برادر بودند، یکی از آن دو به وساطت مردم هی رئیس جمهور بشدی و آن دو دیگر به دخالت مردم نائب رئیس مجلس و هردو آن در عالم سیاست چپ اندر چپ. پس یک چندی بر این روال بگذشت... (رفیع‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

رفیع طنز قابوسنامه را نیز به صورت نقیضه‌ای

و بی‌توجهی مسئولان به ازدواج، شغل، تحصیل و مسکن این جماعت را موجب افسردگی، اعتیاد و فرار مغزها می‌بیند.

رفیع در کتاب *حرف اضافه* از اکثر شگردهای زبانی نظیر: تعابیر عامیانه، کلمات محاوره، عبارات غیرفارسی، کاربردهای کهن، ساخت کلمات جدید، بدیهی‌گویی، رک‌گویی، غلط املایی، چرخش از جدی به شوخی، دشنام یا شعارزدگی، لهجه معتادان، جمله معترضه و اتباع و از فنون بلاغی در حوزه‌ی بدیع از: جناس و سجع، تضمین و تلمیح، ضرب‌المثل، تجاهل‌العارف، حسن تعلیل خنده‌دار، تضاد، تناقض، اغراق، ایهام، اسلوب‌الحکیم و همچنین از عناصر بیانی، مثل: کنایه، تعریض، تشبیه، استعاره مکنیه غالباً از نوع تشخیص بهره برده‌است. رفیع در خلق طنز موقعیت از رهگذر توصیف‌های خنده‌دار، عناصر متناقضی را کنار هم می‌گذارد، تا ذهن مخاطب از تصور آن فضا بی‌اختیار بخندد. برای خلق موقعیت این چنینی از ابزارهایی نظیر: توصیف خنده‌دار، و جابجایی زمان و مکان استفاده کرده‌است.

رفیع از انواع تکنیک‌های شناخته‌شده طنز در آثارش بهره برده، که این امر نشان‌دهنده تسلط وی بر شیوه‌های رایج طنزپردازی است؛ اما وی بازی کردن با واژه‌ها را بسیار دوست دارد و همین امر سبب کثرت بکارگیری تکنیک‌های زبانی در طنز او شده‌است.

رفیع از شاخه‌های فرعی طنز نظیر: آبرونی، نظیره‌پردازی یا نقیضه‌سازی هم بهره برده‌است. انس رفیع با شاهکارهای ادبی کهن و معاصر در آفرینش نظیره‌ها آشکار می‌شود.

در مجموع می‌توان طنز رفیع را در زمره طنز سفید و ملایم قرار داد، با این توضیح که طنز او اصلاً آزاردهنده نیست، گویی خبرهای نادلپذیر و ناخوش رسانه‌ها دستاویزی برای شوخی و فکاهه‌اند و انتقادی در کار نیست، اما با کمی تأمل درمی‌یابیم که وی با

ظرافت خاصی به همه‌ی ارکان و عناصر متوکی امور تاخته و کاستی‌ها را با لحنی شیرین گوشزد کرده‌است. هرچند رفیع طنزپردازی دلسوز و متعهد است، که نسبت به اوضاع جامعه‌اش حساسیت و نگرانی دارد؛ اما خلاف افرادی چون عالی مقام «هالو»، اهل سازگاری و مداراست. وی شاید به دلیل اصرار بر حضور همیشگی در رسانه، شرنگ طنزش را رقیق‌تر به کام آماج خود روانه می‌کند، تا جایی که وی را می‌توان در شمار فکاهه‌نویسان معترض یا منتقدان شوخ‌طبع قرار داد، نه طنزپردازی متالم و خونین جگر.

منابع

- اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۵). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*. تهران: کاروان.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
- پلارد، آرتور (۱۳۸۶). *طنز*. ترجمه سعید سعیدپور. تهران: نشر مرکز.
- جوادی، حسن (۱۳۸۴). *تاریخ طنز در ادبیات فارسی*. تهران: کاروان.
- داد، سیما (۱۳۸۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- رفیع‌زاده، سیدرضا (۱۳۹۵). *حرف اضافه*. تهران: اطلاعات.
- سعدی شیرازی (۱۳۹۲). *گلستان*. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- سلیمانی، محسن (۱۳۹۱). *اسرار و ابزار طنزنویسی (مجموعه مقالات)*. تهران: سوره مهر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). *انواع ادبی*. تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۸۱). *نگاهی تازه به بدیع*. تهران: فردوس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴). *موسیقی شعر*. تهران: نشر آگه.
- کریچلی، سیمون (۱۳۸۴). *در باب طنز*. ترجمه سهیل سُمی. تهران: ققنوس.
- موکه، داگلاس کالین (۱۳۸۹). *آبرونی*. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نیلوفر.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۲). *گزیده قابوسنامه عنصرالمعالی*. تهران: امیرکبیر.